

به نام خدا

گروه علوم اجتماعی استان کرمان

درسنامه درس اول جامعه شناسی ۲- جهان فرهنگی - امین امینی زاده سرگروه استان کرمان

هرفرهنگی در عمیق ترین لابه های خود (عقاید و ارزش ها) به بنیادی ترین پرسشهای بشر پاسخ می دهد.

پرسش های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می شود:

هستی شناسانه	پرسش هایی از قبیل این که آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می شود؟
انسان شناسانه	پرسش هایی از قبیل این که آیا انسان موجودی مختار و فعال است. یا مجبور و منفعل؟
معرفت شناسانه	پرسش هایی از قبیل این که آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟

پرسش ها و پاسخ های بنیادی همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ از انسان و جهان را می سازند و به مثابه روح یا شالوده آن فرهنگ عمل می کنند.

جهان انسانی

دراطراف ما ، پدیده های متنوع و متعددی وجود دارند که در مجموعه های مهم و بزرگی دسته بندی می شوند. این مجموعه ها را به دلیل اهمیت آن ها جهان می نامند و یکی از این جهان ها «جهان انسانی» است.

جهان انسانی محصول زندگی انسان است. و هر چه باندیشه و عمل انسان پدید می آید، مربوط به این جهان است. مثال (فرهنگ - آداب و رسوم - آثار هنری - بناهای تاریخی و هر چه انسان ها به وجود آورده باشد) جزئی از جهان انسانی محسوب می شود.

جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می شود.

بخش فردی	به زندگی شخصی و فردی انسان هاباز می گردد و ابعاد ذهنی ، اخلاقی و روانی انسان ها به این بخش تعلق دارد. هر کدام از دانشسته های، تجربیات و خلیقیات ویژه هر یک از ما که افراد دیگر در آن شریک نیستن در این بخش جای دارد. از بخش فردی جهان انسانی به جهان ذهنی تعبیر می شود و کنش های فردی انسان ها به این بخش جهان انسانی تعلق دارد. مثال : وقتی فردی درباره مساله خاصی می اندیشد. در محدوده فردی و ذهنی جهان انسانی قرار می گیرد.
بخش اجتماعی	زندگی اجتماعی انسان ها را در بر می گیرد و این بخش هویت فرهنگی دارد. زیرا فرهنگ : ۱- محصول آگاهی و عمل مشترک انسان هاست . ۲ - شیوه زندگی اجتماعی انسان ها را شکل می دهد. از بخش اجتماعی جهان انسانی به جهان فرهنگی تعبیر می شود و کنش های اجتماعی انسان ها به این بخش جهان انسانی تعلق دارد. مثال: وقتی فردی اندیشه خود را به صورت گفتار و یا نوشتار بیان کند. یا بر اساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار کند. به محدوده اجتماعی و فرهنگی جان انسانی وارد می شود.

رابطه بین جهان ذهنی و جهان فرهنگی

بین دو بخش ذهنی (فردی) و فرهنگی (اجتماعی) جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد:

تاثیر جهان فرهنگی بر جهان ذهنی	هر فرهنگ ، نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی در افراد پدید می آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات اجازه بروز و ظهور می دهد.
تاثیر جهان ذهنی بر جهان فرهنگی	هر نوع عقیده و اخلاقی نیز فرهنگ متناسب با خود را جست جو می کند.

جهان تکوینی

تمامی پدیده های جهان هستی محصول زندگی انسان نیستند برخی از پدیده ها پیش از انسان و مستقل از خواست و اراده انسان وجود دارند. درمقابل جهان انسانی می تواند از جهان دیگری نام بد که به آن جهان تکوینی می گویند.

مثال: ابر و مه و خورشید، فرشتگان، شیرین بودن عسل محصول زندگی انسان نیستند، بلکه مستقل از خواست و اراده آدمی وجود دارند و از این رو به جهان تکوینی تعلق دارند.

در رابطه با جهان تکوینی (یعنی جهان مستقل از خواست و اراده انسان) دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول (مادی گرایان):

۱- جهان تکوینی به طبیعت محدود است. جهان تکوینی = جهان طبیعت

۲- طرفداران این دیدگاه طبیعت را درمقابل جهان انسانی قرار می دهند و از سه جهان سخن می گویند. ۱- جهان طبیعت ۲- جهان ذهن ۳- جهان فرهنگ

دیدگاه دوم (متفکران مسلمان):

جهان تکوینی به طبیعت محدود نیست.

جهان طبیعت رابه عنوان بخشی از جهان تکوینی می دانند.

جهان طبیعت

جهان طبیعی

جهان فوق طبیعت

تعامل جهان های ذهنی ، فرهنگی و تکوینی

بین جهان های مختلف رابطه و تعامل وجود دارد.

در رابطه با رابطه و پیوند بین جهان های مختلف دیدگاه های متفاوتی وجود دارد.

جهان تکوینی را محدود به جهان طبیعت می دانند و جهان طبیعت را مهم تر از جهان انسانی (جهان ذهنی و فرهنگی) می پندارند.

در این دیدگاه :

- ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن ها نظیر علوم طبیعی است.

- بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی وجد ندارد.

انتقاد وارد بر این دیدگاه : نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی باعث سلب ظرفیتها و قابلیت هایی از علوم انسانی و اجتماعی می شود.

دیدگاه اول

جهان طبیعت

جهان ذهنی

جهان فرهنگی

جهان فرهنگی را مهم تر از جهان ذهنی و تکوینی می دانند.

در این دیدگاه :

جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آنهاست . و به همین دلیل جهان تکوینی نیز به عنوان ماده خامی برای دخل و تصرف فرهنگ ها و جوامع در نظر گرفته می شود.

جهان ذهنی و جهان تکوینی در برابر جهان فرهنگی اهمیتی ندارد و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می دهند.

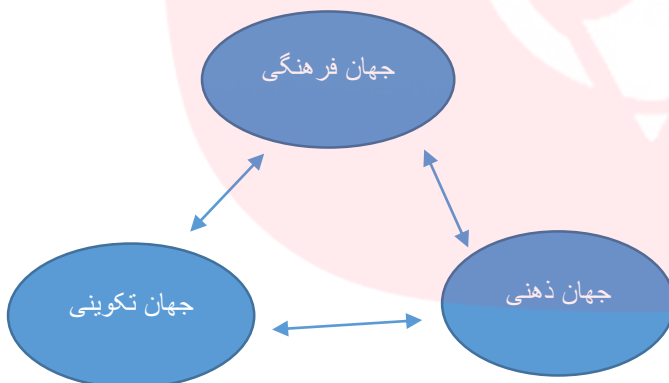
دیدگاه دوم



رویکرد کسانی است که جهان فرهنگی ، جهان ذهنی و جهان تکوینی را مهم و در تعامل بایکدیگر می دانند.

همان دیدگاه قرآن است ، که فرصت تعامل صحیح انسان با خودش و جهان هستی را فراهم می کند.

دیدگاه سوم



درنگاه قرآنی

-جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست .

- ادراک و آگاهی به انسان منحصر نمی شود.

قرآن کریم برای جامعه و فرهنگ جایگاه ویژه ای قائل است و از زندگی و مرگ انسان ها سخن می گوید.

جهان فردی اشخاص را ندیده نمی گیرد و بر مسئولیت های فرد در قبال فرهنگ و جامعه تاکید می کند.

جهان تکوینی بر اساس حکمت و خواست خداوند سبحان با افراد و جوامع انسانی رفتار حکیمانه ای دارد.